

مقاله علمی پژوهشی

بررسی فسخ قرارداد در تضمین کیفیت کالا از نگاه فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق اتحادیه اروپا

اکبر محمودی^{۱*}، سیامک قیاسی^۲

۱. استاد حقوق خصوصی، دانشگاه بین‌المللی مصطفی، تهران، ایران

۲. استادیار حقوق خصوصی، دانشگاه بین‌المللی مصطفی، قم، ایران

(دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۸ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸)

Examining the Termination of the Contract in Guaranteeing the Quality of Goods from the Perspective of Imami Jurisprudence, Iranian Law and European Union Law

Akbar Mahmoudi^{1*}, Siamak Kiasi²

1. Professor of Private Law, Mustafa International University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor of Private Law, Mustafa International University, Qom, Iran

(Received: 08/Jun/2023

Accepted: 09/Sep/2023)

Abstract

Guaranteeing the quality of the product is a commitment by the supplier or a third party to the presence of a desirable feature or features in the consumer product within a certain period of time for the consumer. Termination of the contract by one of the parties after the conclusion of the contract. Termination of the contract due to legal reasons or by the guarantor will terminate the legal relationship between the two parties and they will no longer have obligations and responsibilities towards each other. Termination of the contract in guaranteeing the quality of the goods as a guarantee of performance and compensation for the damage of the obligee seeks the necessary performance for the guarantor. In the European legal system and sometimes in the Imami fiqh and the Iranian legal system, the right to terminate the contract in guaranteeing the quality of goods due to factors such as basic non-conformity in partial goods, knowledge of the guarantor of non-fulfillment of the contract by the guarantor, delay of the guarantor in fulfilling his obligations, mistake of the guarantor Carelessness of the guarantor in the statements, fraud of the guarantor towards the guarantor, failure to see the goods by the guarantor, and failure of the supplier to guarantee the consumer. In case of realizing the right to terminate the contract for the guarantor, he must notify the other party of the termination within the legal and customary period. Refusal of the guarantor to cancel during this period, despite knowing about it, from the point of view of common sense and custom, is equivalent to renunciation of the right and forfeiture of the right. In simple and partial goods that cannot be repaired or replaced, there is a possibility of part of the contract being terminated for the guarantor.

Keywords: Guarantee, Product Quality Guarantee, Product Quality, Contract Termination, Quality Guarantee.

چکیده

تضمین کیفیت کالا، تعهد دادن عرضه‌کننده یا شخص ثالث به وجود وصف یا اوصاف مطلوبی در کالای مصرفی در مدت زمان معین برای مصرف‌کننده است. فسخ برهم زدن قرارداد از جانب یک طرف قرارداد بعد از انعقاد قرارداد است. فسخ قرارداد به دلایل قانونی یا توسط تضمین‌گیرنده رابطه حقوقی میان دو طرف را زائل می‌کند و آن دو دیگر تعهد و مسؤولیتی نسبت به هم نخواهند داشت. فسخ قرارداد در تضمین کیفیت کالا به عنوان ضمانت اجرا و جبران خسارت متعهد له کارایی لازم را برای تضمین‌گیرنده به دنبال دارد. در نظام حقوقی اروپا و گاهی در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران، حق فسخ قرارداد در تضمین کیفیت کالا به سبب عواملی مانند عدم انطباق اساسی در کالای جزئی، علم تضمین‌گیرنده به عدم اجرای اساسی قرارداد توسط تضمین‌کننده، تأخیر تضمین‌کننده در اجرای تعهدات خویش، اشتباه تضمین‌گیرنده، بی‌دقتی تضمین‌کننده در اظهارات، تدلیس تضمین‌کننده نسبت به تضمین‌گیرنده، عدم رؤیت کالا توسط تضمین‌گیرنده و اقدام نکردن عرضه‌کننده به تضمین برای مصرف‌کننده ایجاد می‌شود. در صورت تحقق حق فسخ قرارداد برای تضمین‌گیرنده، باید در مدت زمان قانونی و عرفی اختاریه فسخ را به طرف مقابل اعلام نماید. خودداری تضمین‌گیرنده از فسخ در این مدت با وجود علم به آن از نگاه عقلاء و عرف به منزله انصراف از حق و مسقط حق است. در کالای بسیط و جزئی که قابلیت تعمیر یا تعویض وجود ندارد امکان فسخ بخشی از قرارداد برای تضمین‌گیرنده وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: تضمین، تضمین کیفیت کالا، کیفیت کالا، فسخ قرارداد، تضمین کیفیت.

مقدمه و بیان مسئله

تضمین کیفیت کالا از امور بسیار مهم در خیلی از جوامع بشری در زمان کنونی به شمار می‌رود. از این‌رو تحقیق درباره آن نیز در عصر حاضر مهم و ضروری به حساب می‌آید. یکی از مسائل مهم در حوزه تضمین کیفیت کالا مسئله فسخ قرارداد است که گاهی در میان مردم اتفاق می‌افتد. نهاد حقوقی فسخ قرارداد نیز آثار حقوقی مختلفی دارد که قابل تحلیل و بررسی است. با این وجود هنوز درباره آن هیچ اثر علمی - اعم از رساله، پایان‌نامه، کتاب و مقاله - به نگارش در نیامده است.

با توجه به اهمیت این مسئله و خلأ علمی موجود در این باره نویسنده قصد دارد با روش تحقیق توصیفی تحلیلی انتقادی نظریه‌ای و اسناد کتابخانه‌ای و میدانی در چارچوب اصول، قواعد و مقررات فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق اتحادیه اروپا مسئله فسخ قرارداد در تضمین کیفیت کالا را تحلیل و بررسی کند تا یافته‌های آن در هم مرحله نظر و هم مرحله عمل به کار بسته شود.

چیستی تضمین کیفیت کالا

تضمین یا ضمانت در این جا در مفهوم عام به معنای اعلام شخصی - اعم از حقیقی یا حقوقی - به شخص دیگر - اعم از حقیقی یا حقوقی - مبنی بر تعهد نسبت به چیزی است.

جزء «ه» بند دوم ماده یکم دستورالعمل جنبه‌های خاصی از فروش کالاهای مصرفی و تضمین‌های مرتبط ۱۹۹۹ اتحادیه اروپا ضمانت را تعریف کرده و مقرر داشته: «ضمانت عبارت است از هر گونه تعهد فروشنده یا تولیدکننده به مصرف‌کننده که بدون هزینه اضافی برای بازپرداخت قیمت پرداخت شده یا تعویض، تعمیر یا رسیدگی به کالاهای مصرفی به هر نحوی در صورتی که دارای مشخصات مندرج در بیانیه ضمانت یا در تبلیغات مربوطه باشد».

از نظر برخی از فرهنگ‌های حقوقی (آقایی، ۱۳۸۵: ۱۰۹۴) تضمین در معاملات تجاری عبارت است از اعلامی توسط فروشنده کالا به عنوان بخشی از قرارداد فروش و همراه با آن درباره ماهیت، کیفیت یا مالکیت کالا که به موجب آن فروشنده متعهد به وجود و صحت حقایق معینی که ذکر می‌شود است.

برخی از فقهای امامیه یکی از اقسام قرارداد ضمانت را تعهد و التزام از سوی شخصی نسبت به وفای آن چه که بر شخص دیگر ثابت شده ذکر کرده‌اند. (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۱/۲۰-۱۲)

در سیره عملی عقلای جهان ضمانت کالاهای مصرفی صورت می‌گیرد و منع شرعی و قانونی نسبت به این سیره

عقلای جهان وجود ندارد. بنابراین عمومات و اطلاقات ادله صحت قراردادها و لزوم وفای به آن‌ها شامل این قسم از ضمانت نیز می‌شود. (رضایی، ۱۳۹۴: ۱۰۰)

کیفیت در اصطلاح علمی به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و اوصاف یک محصول یا خدمت گفته می‌شود که سبب فراهم شدن قابلیت آن محصول جهت برآورده کردن نیازهای مورد نظر می‌گردد. (Martin, 2003: 400)

ماده دوم دستورالعمل محصولات معیوب ۱۹۸۵ اتحادیه اروپا کالا را تعریف کرده و مقرر داشته: «از نظر این دستورالعمل، کالا به کلیه اموال منقول به استثنای محصولات کشاورزی اولیه و شکار اطلاق می‌شود حتی اگر در اموال منقول یا غیرمنقول دیگری ادغام شده باشد». این ماده در ادامه مقرر داشته: «محصولات کشاورزی اولیه به معنای محصولات خاک، دامداری و شیلات است به استثنای محصولاتی که فرآوری اولیه شده‌اند». ماده مزبور در پایان مقرر کرده: «کالا شامل برق است».

این ماده در اصلاحیه این دستورالعمل در ۱۹۹۹ تغییر یافته و مقرر شده: «از نظر این دستورالعمل، کالا به کلیه اموال منقول اطلاق می‌شود حتی اگر در یک اموال منقول یا غیرمنقول دیگری ادغام شده باشند. محصول شامل برق است».

در دستورالعمل ۱۹۸۵ محصولات کشاورزی اولیه و شکار استثناء زده شده و جزو کالا به شمار نیامده بودند، ولی در اصلاحیه ۱۹۹۹ این استثناء برداشته شده و محصولات کشاورزی اولیه و شکار نیز از مصادیق کالا به حساب آورده شدند.

جزء «ب» بند دوم ماده یکم دستورالعمل جنبه‌های خاصی از فروش کالاهای مصرفی و تضمین‌های مرتبط ۱۹۹۹ اتحادیه اروپا کالا را تعریف کرده و مقرر داشته: «کالاهای مصرفی به هر شیء منقول مشهود اطلاق می‌شود به استثنای: - کالاهایی که به صورت اجرائیه یا غیرقانونی به فروش می‌سند؛ - آب و گاز در جایی که در حجم یا مقدار محدود برای فروش قرار نگرفته باشند؛ - برق».

بند «ح» ماده دوم قانون مشترک فروش ۲۰۱۱ اتحادیه اروپا نیز کالا را تعریف کرده و مقرر داشته: «کالا به معنای هر گونه اقلام منقول مشهود است».

این مقرر نیز دو مورد را استثناء کرده که آن دو عبارت‌اند از: ۱- برق و گاز طبیعی؛ ۲- آب و سایر انواع گاز مگر اینکه در حجم یا مقدار معینی برای فروش گذاشته شوند.

طبق این دو تعریف، در فسخ ابتدا باید یک قراردادی به صورت صحیح منعقد شود و سپس یکی از دو طرف قرارداد آن را زائل نماید.

وضعیت حقوقی فسخ قرارداد

فسخ قرارداد یک نوع فعل اعتباری و ذهنی و یک عمل حقوقی است که به صورت یک طرفه واقع می‌شود. از این رو، در نظرگاه حقوقدانان ایرانی (جعفری، ۱۳۸۱ الف: ۵۰۲؛ بهرامی، ۱۳۹۰: ۶۹۰؛ نهرینی، ۱۳۸۵: ۶) و فقهای امامیه (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۸۶؛ نائینی، ۱۳۷۳: ۳۷/۲؛ عراقی، ۱۴۱۴: ۱۸۱/۵؛ حکیم، بی تا: ۲۵۳) نوعی ایقاع به شمار می‌رود. بنابراین نیاز به قبول طرف مقابل ندارد و با ایجاد صاحب حق خیار فسخ انعقاد می‌یابد.

فسخ لازم نیست با لفظ باشد و با هر لفظ یا فعلی که دلالت بر فسخ کند تحقق می‌یابد. ماده ۴۴۹ قانون مدنی ایران در این باره مقرر کرده: «فسخ به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن نماید حاصل می‌شود». ماده ۴۵۰ این قانون نیز مقرر داشته: «تصرفاتی که نوعاً کاشف از رضای به معامله باشد امضای فعلی است مثل آن که مشتری که خیار دارد با علم به خیار، مبیع را بفروشد یا رهن بگذارد». ماده ۴۵۱ این قانون نیز بیان نموده: «تصرفاتی که نوعاً کاشف از به هم زدن معامله باشد فسخ فعلی است».

بسیاری از فقهای امامیه (حلی، ۱۳۸۷: ۴۵۷/۱؛ طباطبایی، بی تا: ۱۲۵) و حقوقدانان ایرانی (شهیدی، ۱۳۸۵: ۷۶؛ بهرامی، ۱۳۹۰: ۶۹۱) نیز به این نکته تصریح کردند.

از نگاه حقوقدانان ایرانی (نهرینی، ۱۳۸۵: ۲۱۰) اعمال حق فسخ قرارداد آثاری حقوقی را به دنبال دارد که صاحب این حق برای رسیدن به این آثار به اجرای آن اقدام می‌نماید. مهم‌ترین اثر فسخ قرارداد گسسته شدن قرارداد و بازگشت دو طرف قرارداد به وضعیت قبل از قرارداد است.

یکی از پیامدهای مهم بازگشت دو طرف قرارداد به وضعیت قبل از قرارداد این است که دو عوضی که در قرارداد میان دو طرف قرارداد رد و بدل شده باید به صاحب اصلی آن برگردانده شود.

ماده ۱۱۵-۴ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا مقرر داشته: «با فسخ قرارداد هر یک از دو طرف ممکن است ادعای اعاده تصرف هر آنچه که براساس قرارداد داده است را بکند مشروط بر اینکه همزمان با آن هر آنچه را که دریافت کرده اعاده کند. اگر اعاده تصرف به هر دلیلی امکان نداشت مبلغ متعارف (بدل نقدی یا مالی) باید برای آنچه که دریافت شده

بند سوم ماده دوم دستورالعمل حقوق مصرف‌کننده ۲۰۱۱ اتحادیه اروپا نیز کالا را تعریف و بیان کرده: «کالا عبارت است از هر گونه اقلام منقول مشهود به استثنای اقلامی که به واسطه اجرائیه یا غیر آن به موجب قانون فروخته می‌شوند». این مقرر در ادامه ذکر کرده: «آب، گاز و برق در مفهوم این دستورالعمل در صورتی که در حجم محدود یا مقدار معینی برای فروش گذاشته شوند به‌عنوان کالا تلقی خواهند شد».

کالا در اصطلاح حقوقی و بازرگانی به معنای هر نوع محصول و تولید مصرفی - اعم از لوازم خوردنی، نوشیدنی، پوشیدنی، خوابیدنی، صوتی، تصویری، سرمایه‌گذاری، گرمایشی، تزئینی، تحریری، ورزشی، تفریحی، گردشگری، آرایشی، بهداشتی، هنری، علمی، فرهنگی، نقلیه و ... - است که اعضای جامعه در زندگی روزمره خودشان از آنها استفاده کرده و نیازهای خودشان را برطرف می‌کنند.

منظور از تضمین کیفیت کالا در اینجا تعهد شخصی - اعم از عرضه‌کننده و شخص ثالث - به مصرف‌کننده - اعم از شخص حقیقی یا حقوقی - نسبت به وجود وصف یا اوصافی مطلوب در کالای مصرفی جهت رفع نیازهای مصرف‌کننده تا مدت زمان معین است.

بند ۱۴ ماده دوم دستورالعمل حقوق مصرف‌کننده ۲۰۱۱ اتحادیه اروپا از تضمین کیفیت کالا با عبارت «ضمانت تجاری» یاد کرده و در تعریف آن مقرر کرده: «ضمانت تجاری عبارت است از هر گونه تعهد تاجر یا تولیدکننده (ضامن) به مصرف‌کننده علاوه بر تعهد قانونی او در رابطه با ضمانت انطباق برای بازپرداخت بهای پرداخت شده یا تعویض، تعمیر یا سرویس کالا به هر نحو در صورتی که مشخصات یا هر نیاز دیگری را برآورده نکنند».

این تعریف هرچند در مقام یک قسم از اقسام تضمین کیفیت کالا - یعنی تضمین اختیاری - بوده، ولی در اواسط آن به قسم دوم - یعنی تضمین اجباری - نیز اشاره شده است.

چیستی فسخ

اصطلاح فسخ در کلام فقهای امامیه به معنای برهم زدن قرارداد از سوی یکی از دو طرف قرارداد بیان شده است. (هاشمی، ۱۳۸۲: ۶۹۸/۵)

فسخ از نگاه حقوقدانان ایرانی نیز به معنای انحلال و به هم زدن ارادی و یک‌جانبه قراردادی است که به‌طور صحیح منعقد شده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳/۵؛ نهرینی، ۱۳۸۵: ۷؛ شیروی، ۱۳۹۶: ۲۸۲)

پرداخت گردد».

حقوقی جهان به تضمین گیرنده این حق را دادند، در برخی مواقع مقتضی - که در ذیل خواهد آمد - قرارداد را فسخ نماید. در این صورت قرارداد مزبور انحلال یافته و طرف مقابل دیگر هیچ تعهد و مسئولیتی نسبت به تضمین گیرنده نخواهد داشت.

اگر تضمین گیرنده اصل قرارداد انتقال کالای مصرفی را به دلایلی فسخ نماید، در این صورت قرارداد تضمین کیفیت کالا نیز انحلال خواهد یافت و تضمین کننده هیچ تعهد و مسئولیتی نسبت به وی نخواهد داشت؛ زیرا قرارداد دوم منوط به قرارداد اول است و با انحلال قرارداد اول (قرارداد انتقال کالا) قرارداد دوم (قرارداد تضمین کیفیت کالا) نیز منحل می شود.

ماده ۲۴۶ قانون مدنی ایران فسخ را موجب انحلال قرارداد و بی اعتبار شدن شرط در آن ذکر کرده و مقرر داشته: «در صورتی که معامله به واسطه اقاله یا فسخ به هم بخورد، شرطی که در ضمن آن شده باطل می شود و اگر کسی که ملزم به انجام آن شرط بوده است عمل به شرط کرده باشد، می تواند عوض او را از مشروط له بگیرد».

اگر تضمین کننده قرارداد تضمین کیفیت کالا را به دلایلی فسخ نماید، در این صورت اصل قرارداد انتقال کالا به وی انحلال نخواهد یافت؛ زیرا قرارداد اول مبتنی بر قرارداد دوم نیست، مگر آنکه در قرارداد انحلال قرارداد انتقال کالا با انحلال قرارداد تضمین شرط شده باشد یا قانون تضمین اجباری آن را پیش بینی کرده باشد یا تضمین کیفیت از شروط اساسی آن کالا باشد که در این فروض با انحلال قرارداد تضمین قرارداد انتقال کالا نیز انحلال خواهد یافت.

کارایی فسخ قرارداد در تضمین کیفیت کالا

فسخ قرارداد همانند اهرم فشاری بر سر متعهد علیه می تواند او را وادار به اجرای تعهد به نفع متعهد له کند. به سخن دیگر، متعهد له می تواند با استفاده از این حق و اختیار قانونی از سوء استفاده متعهد علیه نسبت به خودش جلوگیری نماید.

روشن است که استفاده از نهاد حقوقی فسخ قرارداد در صورتی برای متعهد له فایده خواهد داشت و به عنوان ضمانت اجرایی کاربرد عملی خواهد بود که در صورت اعمال این حق از سوی متعهد له خسارتی بر متعهد علیه وارد شود یا منفعت بیشتری را به منافع حاصل از عدم اجرای تعهد از دست بدهد و یا مستلزم ورود خسارت معنوی و اجتماعی و ... شود که با توجه به چنین احتمالی متعهد علیه از عهدشکنی تخلف خودداری کرده و تن به ایفای تعهد می دهد. (شعبانی، ۱۳۸۵: ۴۶)

اقسام فسخ قرارداد در تضمین کیفیت کالا

فسخ قرارداد در بحث تضمین کیفیت کالا به چند شکل می تواند انجام شود که در ذیل از نظر فقهی و حقوقی تحلیل و بررسی می شود.

۱. فسخ قانونی قرارداد

گاهی مواقع قانون به جهت دلایلی قرارداد میان دو طرف را فسخ می کند که در این صورت رابطه حقوقی میان دو طرف از میان رفته و دو طرف دیگر هیچ تعهد و مسئولیتی نسبت به هم نخواهند داشت.

ماده ۲۱۹ قانون مدنی ایران در همین راستا قراردادهای قابل فسخ از سوی قانون بر شمرده و مقرر نموده است: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد، بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم الاتباع است، مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود».

طبق این قاعده کلی گاهی اصل قرارداد انتقال کالای مصرفی به مصرف کننده نیز از سوی قانون فسخ می شود. در این صورت قرارداد تضمین کیفیت کالا نیز انحلال خواهد یافت و دیگر تضمین کننده هیچ تعهد و مسئولیتی نسبت به تضمین گیرنده نخواهد داشت.

مبنای تحلیل مزبور این است که قرارداد تضمین کیفیت کالا مبتنی بر قرارداد انتقال کالای مصرفی است و اگر قرارداد نخست توسط قانون فسخ شود دیگر موضوعی برای تضمین باقی نخواهد ماند تا کیفیت آن ضمانت شود.

گاهی نیز امکان دارد قانون قرارداد تضمین کیفیت کالا را به سبب عواملی فسخ نماید که در این صورت رابطه حقوقی میان تضمین کننده و تضمین گیرنده در خصوص قرارداد تضمین قطع می شود، ولی اصل قرارداد انتقال کالا در جای خودش باقی است، مگر آنکه در قرارداد شرط شده باشد که قرارداد انتقال کالا مشروط به قرارداد تضمین باشد و در صورت انحلال قرارداد تضمین قرارداد انتقال نیز انحلال یابد یا تضمین کیفیت از اوصاف اساسی کالای مورد انتقال بوده باشد یا قانون تضمین اجباری چنین قابلیت را پیش بینی کرده باشد که در این فروض با فسخ قرارداد تضمین قرارداد انتقال کالا نیز انحلال خواهد یافت.

۲. فسخ قرارداد توسط تضمین گیرنده

فقه امامیه، حقوق ایران، حقوق اتحادیه اروپا و دیگر نظام های

عرضه‌کننده حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.

بند اول ماده ۹۳۰۱ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا نیز مقرر کرده: «چنان چه عدم ایفای تعهدات توسط یکی از طرفین اساسی باشد، طرف دیگر می‌تواند قرارداد را فسخ کند».

بله اگر در قرارداد شرط شده باشد که با بروز هر عدم انطباقی در کالا با مشخصات مقرر شده در قرارداد حق فسخ برای تضمین‌گیرنده وجود داشته باشد، در این صورت تضمین‌گیرنده - طبق قاعده فقهی حقوقی الزام‌آور بودن تعهدات قراردادی - می‌تواند با بروز هر عدم انطباقی در کالا به توافق میان خود و تضمین‌کننده استناد کرده و قرارداد را به صورت یک‌طرفه فسخ کند.

۲. علم تضمین‌گیرنده به عدم اجرای اساسی قرارداد توسط تضمین‌کننده

اگر کالایی که به تضمین‌گیرنده منتقل شده کیفیت مقرر را نداشته باشد و تضمین‌گیرنده عدم انطباق را به تضمین‌کننده اعلام بدارد و تضمین‌کننده در صدد جبران خسارت تضمین‌گیرنده با تعمیر یا تعویض برآید، ولی تضمین‌گیرنده بداند که این صرف یک ادعا است و تضمین‌کننده نمی‌تواند آن کالا را تعمیر یا تعویض کند و به تعهد خودش وفا کند در این صورت با اثبات این نکته تضمین‌گیرنده می‌تواند قرارداد را فسخ نماید.

ماده ۹۳۰۴ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا در جایی که متعهد له می‌داند که متعهد علیه نمی‌تواند به تعهد خودش در زمان مناسب و مقرر عمل نماید حق فسخ قرارداد را برای متعهد له به رسمیت شناخته و مقرر کرده: «در مواردی که پیش از فرا رسیدن زمان اجرای قرارداد توسط متعهد قراردادی مشخص باشد که عدم اجرای اساسی توسط او وجود خواهد داشت طرف دیگر می‌تواند قرارداد را فسخ کند».

بند دوم ماده ۸۱۰۵ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا بعد از بند قبلی که درباره تقاضای تضمین مناسب برای اجرای قرارداد از سوی یکی از دو طرف قرارداد بود مقرر کرده: «زمانی که این تضمین در مدت زمان متعارف فراهم نشود طرفی که تقاضای تضمین کرده اگر هنوز به طور منطقی بر این باور باشد که عدم اجرای اساسی تعهدات قراردادی توسط طرف مقابل وجود خواهد داشت با دادن اخطاربه‌ای مبنی بر فسخ قرارداد در مدت زمان متعارف می‌تواند قرارداد را فسخ کند».

اگر متعهد علیه به تعهدات خودش عمل نکند، باز نهاد حقوقی فسخ قرارداد کارایی خودش را داشته و در مرحله بعدی سبب می‌شود تا ضررهای وارد شده به تضمین‌گیرنده تا حد امکان به شکل حداکثری جبران شود.

بر همین اساس فسخ قرارداد در تضمین کیفیت کالا در هم مرحله فشار و هم مرحله جبران کارایی لازم را برای تضمین‌گیرنده به دنبال دارد.

عوامل ایجاد حق فسخ قرارداد برای تضمین‌گیرنده

چند چیز سبب ایجاد حق فسخ قرارداد برای تضمین‌گیرنده (مصرف‌کننده) می‌شود که در ذیل به شرح و بررسی آنها پرداخته می‌شود.

۱. عدم انطباق اساسی در کالای جزئی

اگر کالای منتقل شده به تضمین‌گیرنده (مصرف‌کننده) از نوع کالای کلی نباشد؛ بلکه کالای جزئی باشد در صورتی که آن کالا انطباق اساسی با کیفیت مقرر نداشته باشد تضمین‌گیرنده حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.

ماده دوم قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان ۱۳۸۸ ایران مقرر کرده: «اگر موضوع معامله کلی باشد در صورت وجود عیب یا عدم انطباق کالا با شرایط تعیین شده مشتری حق دارد صرفاً عوض سالم را مطالبه کند و فروشنده باید آن را تأمین کند و اگر موضوع معامله جزئی (عین معین) باشد مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند یا ارزش کالای معیوب و سالم را مطالبه کند و فروشنده موظف است پرداخت کند. در صورت فسخ معامله از سوی مشتری، پرداخت خسارت از سوی عرضه‌کننده منتفی است».

این نکته در اینجا خیلی مهم بوده و نقش کلیدی دارد که عدم انطباق کالای منتقل شده به تضمین‌گیرنده با کیفیت مقرر باید برجسته، اساسی و غیرقابل اغماض باشد و عدم انطباق جزئی و قابل اغماض موجب ایجاد حق فسخ برای تضمین‌گیرنده نمی‌شود.

بند ششم ماده سوم دستورالعمل جنبه‌های خاصی از فروش کالاهای مصرفی و تضمین‌های مرتبط ۱۹۹۹ اتحادیه اروپا به صراحت به این نکته اشاره کرده و مقرر نموده: «در صورتی که عدم انطباق جزئی باشد مصرف‌کننده حق فسخ قرارداد را ندارد».

به موجب مفهوم مخالف، مصرف‌کننده در صورت عدم انطباق اساسی و مهم کالا با کیفیت مقرر میان او و

۳. تأخیر تضمین کننده در اجرای تعهدات خودش

اگر تضمین کننده در انجام تعهدات خودش - از جمله تعمیر یا تعویض - نسبت به تضمین گیرنده تعلل ورزد و تأخیر داشته باشد، تضمین گیرنده حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.

بند دوم ماده ۹۳۰۱ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا تأخیر متعهد علیه در ایفای تعهد خودش نسبت به متعهد له را سبب برای ایجاد حق فسخ برای متعهد له ذکر کرده و مقرر داشته: «در مورد تأخیر در ایفای تعهد نیز طرف دیگر ممکن است براساس بند ۳ ماده ۸۱۰۶ قرارداد را فسخ کند».

چنین مقرره‌ای در حقوق موضوعه ایران به صراحت نیامده است، ولی می‌توان آن را از اصول و قواعد کلی حقوق استنباط نمود. تضمین گیرنده در صورت تأخیر زیاد تضمین کننده در انجام تعهدات خودش متحمل ضرر خواهد شد و طبق برخی از اصول و قواعد فقهی و حقوقی - از جمله قاعده نفی ضرر - نمی‌توان این ضرر را به تضمین گیرنده تحمیل کرد و تضمین گیرنده می‌تواند برای رهایی از این ضرر اقدام به فسخ قرارداد کند تا بتواند خسارت خودش را جبران نماید. این حق قانونی و شرعی تضمین گیرنده است و او در اعمال این حق اختیار کامل دارد.

ماده ۲۳۹ قانون مدنی ایران نیز مقرر کرده: «هر گاه اجبار مشروط علیه برای انجام فعل مشروط ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت».

مصرف کننده و تضمین گیرنده همان شخصی است که عرضه کننده برای او شرط کیفیت کالا را تضمین کرده است و اگر کالای منتقل شده به مصرف کننده با کیفیت مقرر در قرارداد انطباق نداشته باشد حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.

۴. اشتباه تضمین گیرنده

اشتباه تضمین گیرنده درباره اوصاف فرعی و غیراساسی قرارداد سبب ایجاد حق خیار فسخ قرارداد برای وی خواهد شد. لازم به ذکر است که اشتباه در وصف اساسی و جوهری سبب بطلان قرارداد خواهد شد و دیگر جایی برای بحث حق خیار فسخ نیست.

فقه‌های امامیه اظهار داشته‌اند که در صورت ثبوت اشتباه مشتری درباره وصف موضوع بیع وی حق خیار فسخ قرارداد بیع را دارد. (قمی، ۱۴۱۳: ۱۳۲/۲)

از نظر برخی از حقوقدانان ایرانی اشتباه در وصف موضوع و مورد قرارداد خدشه‌ای بر صحت قرارداد وارد نمی‌کند و اثری

در سرنوشت قرارداد ندارد، مگر اینکه وصف مذکور به صورت شرط ضمن قرارداد درج شده یا در مقام توصیف مورد قرارداد ذکر شود که تخلف آن سبب می‌شود تا مشروط له یا طرفی که اشتباه در وصف به زیان او بوده حق فسخ قرارداد را به دست آورد. (امامی، ۱۳۸۸: ۳۳/۴)

از نگاه برخی دیگر از حقوقدانان ایران اشتباه در اوصاف غیراساسی موضوع و مورد قرارداد سبب بطلان قرارداد نخواهد شد؛ زیرا ضرری را بر اشتباه کننده وارد نمی‌کند. بلکه اگر اشتباه در اوصافی که از نوع اوصاف اساسی به شمار می‌روند باشد یا از نوع اوصاف جانشین ذات باشد که ماهیت عرفی موضوع قرارداد و مبنای ارزش اقتصادی آن است این نوع از اشتباه سبب بطلان قرارداد خواهد شد. (جعفری، ۱۳۸۸: ۱۴۶/۱ و ۱۴۸: ۱۳۸۲: ۱۶۹)

از نظر برخی از حقوقدانان ایرانی در صورت اشتباه در اوصاف فرعی و غیراساسی اگر در قلمرو تراضی ورود یابد، برای شخص ضرر دیده حق خیار فسخ قرارداد وجود دارد. (محسنی، ۱۳۹۰: ۱۱۳)

بند یکم ماده ۱۰۳-۴ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا مقرر داشته: «شخص ممکن است به خاطر اشتباه موضوعی یا حکمی که در زمان انعقاد قرارداد وجود داشته قرارداد را فسخ کند مشروط بر اینکه: الف) (۱) اشتباه در نتیجه اطلاعاتی که توسط طرف دیگر معامله داده شده به وجود آمده باشد. ب) (۲) طرف دیگر معامله اشتباه را می‌دانسته یا بایستی که می‌دانست و این برخلاف حسن نیت و رفتار منصفانه است که طرفی را که در اشتباه است در اشتباهش باقی بگذارد. (۳) طرف دیگر نیز همان اشتباه را مرتکب شده باشد. ب) طرف دیگر قرارداد می‌دانسته یا باید که می‌دانست که اگر طرفی که در اشتباه است حقیقت را می‌دانست قرارداد را منعقد نمی‌کرد یا فقط آن قرارداد را با شرایط به طور کامل متفاوت منعقد می‌کرد».

بند دوم این ماده مقرر کرده: «با این حال طرف معامله نمی‌تواند قرارداد را فسخ کند به شرط اینکه: الف) با توجه به شرایط و اوضاع و احوال، اشتباه او غیرقابل توجیه باشد. ب) احتمال اشتباه فرض شود یا اینکه این فرض در شرایط و اوضاع و احوالی به وجود بیاید».

۵. بی‌دقتی تضمین کننده در اظهارات

دقت نکردن تضمین کننده در اظهارات خودش پیرامون کالای منتقل شده به تضمین گیرنده و اشتباه تضمین گیرنده بر اثر این

اظهار خلاف واقع است. (ترجینی، ۱۴۲۷: ۳۱۷/۴) به سخن دقیق‌تر تدلیس عبارت است از اظهار آنچه که موجب کمال باشد در حالی که نیست و اخفای آنچه که موجب نقص باشد. (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۳۹/۸-۱۴۰؛ سبزواری، ۱۴۲۳: ۲۰۸/۲) حقوقدانان ایرانی (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۱۷۷/۲) تدلیس را به معنای اخفای عیب موضوع قرارداد از روی عمد و آگاهی یا اظهار وصف کمال آن جهت رغبت طرف مقابل در اقدام به قرارداد ذکر کرده‌اند.

ماده ۴۳۸ قانون مدنی ایران تدلیس درباره عقد بیع را تعریف نموده و مقرر کرده: «تدلیس عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود».

در صورتی که اشتباه در اوصاف موضوع قرارداد یا شخص طرف معامله ناشی از تدلیس باشد و گفتار یا رفتار متقلبانه یکی از طرفین موجب اشتباه طرف دیگر شود، برای طرف مقابل خیار فسخ وجود دارد. به عنوان نمونه اگر فروشنده از مال خود تعریف غیرواقعی نماید و مشتری را به اشتباه بیاندازد تا او را به خرید وادار کند مشتری حق فسخ بیع را خواهد داشت. ماده ۴۳۹ از قانون مدنی ایران مقرر کرده: «اگر بایع تدلیس نموده باشد مشتری حق فسخ بیع را خواهد داشت و همچنین است بایع نسبت به ثمن شخصی در صورت تدلیس مشتری».

در صورتی تدلیس موجب اختیار فسخ قرارداد خواهد شد که موجب اشتباه در وصف غیراساسی یا فرعی بشود، اما هر گاه تدلیس موجب اشتباه در وصف اساسی باشد منجر به بطلان قرارداد خواهد شد.

تدلیس در صورتی موجب انحلال قرارداد خواهد شد که تدلیس از سوی طرف قرارداد انجام شده باشد. اگر تدلیس از سوی شخص ثالث انجام شده باشد، موجب انحلال قرارداد نخواهد شد و شخص خسارت‌دیده می‌تواند ضرر خودش را از شخص ثالث دریافت کند. (امامی، ۱۳۸۸: ۳۴-۳۵)

فقه‌های امامیه (قمی، ۱۴۱۳: ۱۳۲/۲) گفتند که در صورت ثبوت دروغ بایع به مشتری درباره مقدار، جنس و وصف موضوع بیع مشتری حق خیار فسخ قرارداد بیع را دارد.

بند یکم ماده ۴-۱۰۷ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا تدلیس را یکی از موارد ایجاد حق فسخ برای شخص تدلیس شده برشمرده و مقرر کرده: «اگر طرف قرارداد براساس اظهارات خلاف واقع طرف دیگر قرارداد چه با رفتار یا گفتارش یا عدم افشای متقلبانه هر گونه اطلاعاتی که مطابق با حسن نیت و رفتار منصفانه باید افشا می‌شده قرارداد را منعقد کرده

بی‌دقتی سبب ایجاد حق فسخ قرارداد برای تضمین‌گیرنده خواهد شد.

ماده ۴-۱۰۴ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا مقرر کرده: «بی‌دقتی در اظهار یا انتقال بیانی به عنوان اشتباه طرفی که بیانیه را اظهار کرده یا فرستاده در نظر گرفته می‌شود و در این صورت ماده ۱۰۳ قابل اعمال است».

اعمال ماده ۱۰۳ که در قسمت آخر این ماده ذکر شده به معنای ایجاد حق فسخ برای طرف مقابلی است که به خاطر آن اشتباه متحمل ضرر شده باشد.

۶. تدلیس تضمین‌کننده نسبت به تضمین‌گیرنده

فقه‌های امامیه (عاملی، ۱۴۱۲: ۲۷۶/۳؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۳: ۱۴۶/۳؛ مرعشی، ۱۴۰۶: ۲۶/۲) و حقوقدانان ایرانی (امامی، ۱۳۸۸: ۵۱۳/۱؛ طاهری، ۱۴۱۸: ۱۵۰/۴) یکی از خیارهای مربوط به فسخ قرارداد را خیار تدلیس ذکر کردند و اذعان داشتند که در قراردادها اگر متعهد علیه مرتکب تدلیس نسبت به متعهد له شود در این صورت متعهد له حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.

قانون مدنی ایران نیز هشتمین خیار از خیارهای مرتبط با فسخ قرارداد را خیار تدلیس ذکر نموده و در مواد ۴۳۸ تا ۴۴۰ به تعریف و شرح آن پرداخته است.

بند یکم ماده ۴-۱۰۷ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا که درباره تدلیس است مقرر نموده: «اگر طرف قرارداد براساس اظهارات خلاف واقع طرف دیگر قرارداد چه با رفتار یا گفتارش یا عدم افشای متقلبانه هر گونه اطلاعاتی که مطابق با حسن نیت و رفتار منصفانه باید افشا می‌شده قرارداد را منعقد کرده باشد می‌تواند آن را فسخ کند».

بند دوم این ماده مقرر کرده: «اظهارات یا عدم افشای اطلاعات توسط طرف قرارداد اگر به قصد فریب باشد متقلبانه است».

تدلیس در لغت به معنای فریب‌کاری کردن، فریب دادن، فریب‌کاری، پنهان‌کاری، کتمان، پنهان کردن عیب چیزی، عوام‌فریبی، حقه‌بازی و ... آمده است. (فراهیدی، ۱۴۲۴: ۴۰/۲؛ جوهری، ۱۴۳۰: ۳۸۱؛ رازی، ۱۳۸۷: ۳۲۹؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۹: ۵۵۷؛ معین، ۱۳۸۶: ۴۳۹/۱؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۵۵۸/۵)

دقت در معانی ذکر شده نشان از آن دارد که مفهوم ریشه‌ای در معنای مزبور فریب دادن طرف مقابل است.

معنای اصطلاحی تدلیس در فقه امامیه در راستای همان معنای لغوی آن به کار رفته و مقصود از آن در اصطلاح فقهی

باشد، می‌تواند آن را فسخ کند».

تضمین به مصرف‌کننده بدهد، ولی او از این کار خودداری کند در این صورت مصرف‌کننده حق فسخ قرارداد انتقال کالا را دارد.

مبنای این حکم آن است که عرضه‌کننده براساس اجبار قانون - در تضمین اجباری - و یا طبق قرارداد - در تضمین اختیاری - متعهد به تضمین کیفیت کالا برای مصرف‌کننده شده است و اگر عرضه‌کننده به این تعهد خودش نسبت به مصرف‌کننده عمل نکند متعهد له (مصرف‌کننده) حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.

ماده ۲۴۳ قانون مدنی ایران در این راستا مقرر کرده: «هر گاه در عقد شرط شده باشد که ضامنی داده شود و این شرط انجام نگیرد مشروط له حق فسخ معامله را خواهد داشت».

اخطاریه فسخ قرارداد

فسخ قرارداد یک عمل حقوقی است که برای تحقق آن نیاز به ابراز قولی یا عملی فسخ‌کننده دارد. بنابراین، صرف قصد فسخ نمی‌تواند موجب فسخ قرارداد شود و تضمین‌گیرنده اگر اراده فسخ قرارداد را دارد باید آن را خودش یا نماینده قانونی او به گونه‌ای به طرف مقابل - که تضمین‌کننده یا نماینده قانونی وی باشد - اعلام نماید. این اعلام همان اخطاریه فسخ قرارداد در لسان برخی از حقوقدانان و نظام‌های حقوقی است.

بند اول ماده ۹۳۰۳ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا اعمال حق فسخ قرارداد را با ارسال اخطاریه‌ای به طرف مقابل ممکن دانسته و مقرر کرده: «طرف قرارداد می‌تواند حقی را که برای فسخ قرارداد دارد، با ارسال اخطاریه‌ای به طرف دیگر اعمال کند».

خودداری تضمین‌گیرنده از فسخ قرارداد

در صورت اراده تضمین‌گیرنده نسبت به فسخ قرارداد باید آن را به تضمین‌کننده اعلام کند. ماده ۴-۱۱۴ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا مقرر کرده: «فسخ باید با دادن اخطاریه به طرف دیگر قرارداد صورت بگیرد».

این اعلام باید در مدت زمان متعارف با در نظر گرفتن اوضاع و احوال مرتبط با قرارداد باشد. بند یکم ماده ۴-۱۱۳ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا مقرر داشته: «اخطاریه فسخ باید در مدت زمان متعارف با در نظر گرفتن اوضاع و احوال مربوط به قرارداد داده شود، پس از اینکه طرف فسخ‌کننده واقعیات مرتبط را بداند یا بایستی که می‌دانست یا قادر بود آزادانه عمل کند».

۷. عدم رؤیت کالا توسط تضمین‌گیرنده

اگر مصرف‌کننده (تضمین‌گیرنده) کالای بدون کیفیت را از عرضه‌کننده دریافت کند و آن را در زمان قرارداد رؤیت نکرده باشد، در این صورت بعد از اثبات عدم انطباق کالا با کیفیت مقرر در قرارداد حق خیار فسخ قرارداد را خواهد داشت.

این حق فسخ در نزد فقهای امامیه (طوسی، ۱۴۰۸: ۲۴۰؛ حلی، ۱۴۲۱: ۱۰۲؛ عاملی، ۱۴۱۲: ۲۷۶/۳) و حقوقدانان ایرانی (امامی، ۱۳۸۸: ۴۹۴/۱؛ طاهری، ۱۴۱۸: ۱۳۶/۴) با عنوان خیار رؤیت ذکر شده و آنان تصریح کردند که اگر کالایی به شخصی فروخته شود و خریدار آن کالا را قبل از انعقاد قرارداد دیده بود و در زمان انعقاد قرارداد ندید و بعد از تسلیم کالا به مشتری فهمیده شود که آن کالا آن اوصاف قبلی را نداشته در این صورت برای مشتری حق فسخ قرارداد خواهد بود.

ماده ۴۱۳ قانون مدنی ایران نیز خیار رؤیت را به رسمیت شناخته و مقرر داشته: «هر گاه یکی از متبایعین مالی را سابقاً دیده و به اعتماد رؤیت سابق معامله کند و بعد از رؤیت معلوم شود که مال مزبور اوصاف سابقه را ندارد اختیار فسخ خواهد داشت».

برخی از فقهای امامیه (نائینی، ۱۴۱۳: ۲۶۶/۱) خیار رؤیت را یکی از مصادیق خیار تخلف وصف به شمار می‌آورند. بسیاری از فقهای امامیه (خمینی، بی‌تا: ۵۲۸/۱) نیز احکام آن دو را در یک جا ذکر می‌کنند. با این حال خیار رؤیت با خیار تخلف وصف تفاوت ظریفی دارد. چون از نگاه فقهای امامیه (روحانی، ۱۴۲۰: ۲۴/۲) و حقوقدانان ایرانی (امامی، ۱۳۸۸: ۴۹۱/۱؛ طاهری، ۱۴۱۸: ۱۳۴/۴) در خیار تخلف وصف خریدار کالای مورد قرارداد را رؤیت نکرده و تنها اوصاف آن را از فروشنده شنیده و پس از تسلیم آن کالا به خریدار فهمیده می‌شود که آن کالا آن اوصاف ذکرشده از سوی فروشنده را ندارند.

ماده ۴۱۰ قانون مدنی ۱۳۰۷ ایران به خیار تخلف وصف پرداخته و مقرر کرده: «هر گاه کسی مالی را ندیده و آن را فقط به وصف بخرد بعد از دیدن اگر دارای اوصافی که ذکر شده است، نباشد مختار می‌شود که ببع را فسخ کند یا به همان نحو که هست قبول نماید».

۸. عدم اقدام عرضه‌کننده به تضمین برای مصرف‌کننده

در صورتی که بر حسب اجبار قانون - در تضمین اجباری - یا براساس قرارداد - در تضمین اختیاری - عرضه‌کننده باید

که به همان مبیع معیوب راضی است و قرارداد را فسخ نخواهد کرد که در این صورت حق فسخ از وی ساقط می‌شود.

فسخ بخشی از قرارداد

کالاهای مصرفی به دو قسم: مرکب (دارای اجزاء) - مانند ۱۰۰ کیلو گندم یا برنج یا عدس یا ... - و ساده و بسیط (دارای جزء واحد) - مانند یک بخاری، آبگرمکن، کولر، اتو، موتور سیکلت، اتومبیل، ماشین لباسشویی و ... - تقسیم می‌شوند. احکام هر کدام از این دو قسم در برخی موارد تفاوت دارند.

اگر کالای منتقل شده به تضمین‌گیرنده (مصرف‌کننده) از نوع کالای ساده و بسیط باشد و بخشی از کالا انطباق با کیفیت مقرر در قرارداد نداشته باشد و کالا از نوع کالای جزئی باشد و کالای کلی نباشد تا اینکه قابل تعویض باشد و امکان تعمیر آن بخش بی کیفیت هم وجود نداشته باشد، در اینجا به لحاظ فقهی و حقوقی بحث است که آیا امکان تجزیه فسخ نسبت به اجزاء وجود دارد یا خیر؟ به این توضیح که آیا امکان دارد که به صورت الزامی یا اختیاری، مصرف‌کننده قرارداد را نسبت به بخش بدون کیفیت کالا فسخ کند و قرارداد نسبت به بخش باکیفیت کالا باقی بماند؟

این مسئله با بحث خیار تبعض صفقه تفاوت دارد. فقهای امامیه (طوسی، ۱۴۰۸: ۲۳۸؛ بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۷۴/۳؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۱۴/۱۷) و حقوقدانان ایرانی (امامی، ۱۳۸۸: ۵۱۸-۵۱۷) خیار تبعض صفقه را در جایی جاری دانستند که یک قرارداد نسبت به متعلق خودش تجزیه یافته و نسبت به بخشی از موضوع خودش انحلال یابد. مثل اینکه بخشی از مبیع مستحق دیگری باشد یا تلف شود یا عیب داشته باشد.

ماده ۴۴۱ قانون مدنی ایران نیز درباره خیار تبعض صفقه توضیح داده و مقرر کرده: «خیار تبعض صفقه وقتی حاصل می‌شود که عقد بیع نسبت به بعض مبیع به جهتی از جهات باطل باشد. در این صورت مشتری حق خواهد داشت بیع را فسخ نماید یا به نسبت قسمتی که بیع واقع شده است قبول کند و نسبت به قسمتی که بیع باطل بوده است، ثمن را استرداد کند».

بر این اساس در خیار تبعض صفقه مشتری یا کل قرارداد را فسخ می‌کند و یا کل قرارداد را فسخ نمی‌کند و فقط معادل ثمن آن بخش از موضوع قرارداد که باطل باشد را استرداد می‌کند. بنابراین در فسخ تجزیه صورت نمی‌گیرد و تنها در ثمن تجزیه صورت می‌گیرد.

در قوانین موضوعه ایران تجزیه فسخ قرارداد یا همان فسخ

بند دوم ماده ۳۰۳-۹ آن مقرر کرده: «طرف زیان‌دیده حقی که برای فسخ قرارداد دارد را از دست می‌دهد، مگر اینکه در مدت زمان متعارف پس از این که از عدم اجرای تعهدات توسط طرف دیگر آگاه شده یا باید از آن آگاه می‌شده اختاریه‌ای مبنی بر فسخ قرارداد به او بدهد».

جزء «الف» بند سوم این ماده مقرر داشته: «زمانی که ایفای تعهد در زمان مقرر ارائه نشود، نیازی نیست که شخص زیان‌دیده پیش از ایفای تعهد اختاریه فسخ قرارداد را بدهد. اگر ایفای تعهد با تأخیر انجام شود حق او را برای فسخ قرارداد از بین می‌برد مشروط بر اینکه چنین اختاریه‌ای را در مدت زمان متعارف پس از این که از اجرا آگاه شود یا باید از آن آگاه می‌شد، ندهد».

جزء «ب» بند سوم این ماده مقرر کرده: «با این وجود اگر طرف زیان‌دیده بداند یا دلیلی داشته باشد که بداند طرف دیگر هنوز تمایل به اجرا در مدت زمان متعارف دارد و شخص زیان‌دیده به طور غیرمتعارف در آگاه کردن طرف دیگر از این امر که او اجرا را قبول نخواهد کرد کوتاهی ورزد، او حق فسخ قرارداد را از دست خواهد داد به شرط اینکه طرف دیگر در مدت زمان متعارف به تعهدش عمل نماید».

اگر تضمین‌گیرنده با علم به داشتن حق فسخ از اعمال فسخ قرارداد در مدت زمان متعارف و قانونی خودداری کند، این به منزله اسقاط حق فسخ خواهد بود و سیره قطعی (خویی، ۱۳۷۷: ۵۴/۷) بر جواز اسقاط حق قیام کرده است.

ماده ۱۱۴-۴ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا در این خصوص مقرر کرده: «اگر طرفی که حق فسخ قرارداد را دارد، پس از اینکه سبب فسخ را بداند یا قدرت داشته باشد که آزادانه عمل کند آن را به طور صریح یا ضمنی تأیید کند، فسخ قرارداد مستثنی است».

بند یکم ماده ۳۰۵-۹ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا مقرر کرده: «فسخ قرارداد طرفین قرارداد را از تعهدی که مبنی بر عملی کردن ایفای تعهد در آینده و نیز دریافت آن دارند معاف می‌کند، ولی مطابق مواد ۳۰۶-۹ تا ۳۰۸-۹ تأثیری بر حقوق و تکالیفی که در زمان فسخ قرارداد حاصل می‌شوند ندارد».

تضمین‌گیرنده چنین حقی را دارد که حق فسخ خودش را اسقاط کند و به همان کالای بدون کیفیت راضی باشد. بر همین اساس فقهای امامیه (حلی، ۱۴۲۰: ۳۶۸/۲؛ عاملی، ۱۴۱۲: ۱۱۹؛ خویی، ۱۴۱۰: ۳۹/۲) و حقوقدانان ایرانی (طاهری، ۱۴۱۸: ۱۴۷/۴) تصریح کرده‌اند که مشتری می‌تواند ابراز کند

تضمین کننده در اجرای تعهدات خویش، اشتباه تضمین گیرنده، بی دقتی تضمین کننده در اظهارات، تدلیس تضمین کننده نسبت به تضمین گیرنده، عدم رؤیت کالا توسط تضمین گیرنده و عدم اقدام عرضه کننده به تضمین برای مصرف کننده ایجاد می شود. در صورت پدید آمدن حق فسخ قرارداد برای تضمین گیرنده وی باید در ظرف مدت قانونی و عرفی اخطاریه فسخ قرارداد را به طرف مقابل اعلام نماید. در غیر این صورت از امتیازهای قانونی برخوردار نخواهد شد.

اگر تضمین گیرنده با وجود علم به وجود حق فسخ قرارداد برای وی از فسخ قرارداد خودداری کند، این از نگاه عقلا و عرف به منزله انصراف وی از استفاده از حق قانونی خودش است و دیگر نمی تواند بعد از اتمام مهلت مقرر اقدام به فسخ قرارداد نماید.

در کالای بسیط و جزئی که قابلیت تعمیر یا تعویض وجود ندارد امکان فسخ بخشی از قرارداد برای تضمین گیرنده وجود دارد.

پیشنهادهای

۱. بسیاری از قوانین و مقررات مربوط به تضمین کیفیت کالا مربوط به تضمین الزامی هستند و درباره تضمین اختیاری کیفیت کالا قوانین و مقررات کمتری دیده می شود. بر همین اساس شایسته است درباره تضمین قراردادی و اختیاری کیفیت کالا نیز قوانین و مقرراتی تدوین، تصویب و ابلاغ شود تا هم این نهاد حقوقی بهتر و راحت تر اجرا شود و هم میزان اختلافات میان اعضای جامعه کمتر شده و در نتیجه میزان پرونده های رسیدگی به این نوع از مسائل در دستگاه قضایی کاهش یابد.

۲. در حقوق موضوعه ایران تاکنون قانون خاص تضمین کیفیت کالاهای مصرفی تدوین، تصویب و ابلاغ نشده است. این نهاد حقوقی با توجه به اهمیت و مورد نیاز بودن آن احتیاج به تدوین و تصویب یک قانون مستقل و خاص با همین عنوان دارد تا به همه جوانب آن به صورت گسترده بپردازد. آیین نامه اجرایی خاص نیز در این زمینه لازم به نظر می رسد که باید پس از تدوین و تصویب اصل قانون آن از سوی سازمان ها مربوطه تدوین، تصویب و ابلاغ شود.

۳. بایسته است حکومت و دولت تضمین کیفیت را در همه یا غالب کالاهای مصرفی اجباری نماید. این راهکار از یک سوی سبب رعایت و حفظ حقوق مصرف کنندگان می شود و از سوی دیگر، موجب اعتماد و اشتیاق مصرف کنندگان به کالاهای داخلی شده و در نتیجه باعث فروش بیشتر کالاهای داخلی و رونق تولید و پویایی اقتصاد کلان کشور خواهد شد.

جزئی (قسمت یا بخشی از قرارداد) مورد تصریح قانون گذار واقع نشده، ولی برخی از حقوقدانان ایرانی اصل تجزیه پذیری قرارداد را نسبت به بخشی از قرارداد به جهت تخلف از وصف برخی از موضوع و مورد معامله مشروع دانستند. (صفایی؛ سلطان احمدی، ۱۳۸۹: ۱۵۳) این اصل در بحث حاضر که تضمین کیفیت کالای مصرفی است نیز صادق است.

در حقوق اتحادیه اروپا نیز این نهاد حقوقی پیش بینی شده است. ماده ۴-۱۱۶ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا مقرر داشته: «اگر سبب فسخ قرارداد فقط در شروط خاصی از قرارداد تأثیر داشته باشد، تأثیر فسخ فقط به آن شرط محدود می شود، مگر اینکه بقیه قرارداد به خاطر نسبت داشتن عوض مقرر با تمام شرایط قضیه غیرمتعارف باشد».

ماده ۹-۳۰۲ آن نیز مقرر کرده: «زمانی که قرار است قرارداد در بخش های مجزا و جداگانه اجرا شود و عدم اجرای قرارداد نسبت به بخشی از قرارداد اساسی باشد، متعهد علیه می تواند براساس این بخش حق خود را برای فسخ در رابطه با بخش مورد نظر اعمال کند. وی می تواند کل قرارداد را فسخ کند به شرط اینکه عدم اجرای تعهد قراردادی نسبت به کل قرارداد اساسی باشد».

به نظر می رسد که تجزیه فسخ قرارداد به لحاظ حقوقی اشکالی نداشته باشد و با اصول و قواعد فقهی و حقوقی هماهنگ است. سیره عقلای جهان در تعاملات تجاری آنان نیز بر همین منوال است. بنابراین، می توان از آن در تضمین کیفیت کالاهای مصرفی نیز - در صورت وجود شرایط و ضوابط - استفاده کرد.

بحث و نتیجه گیری

فسخ قرارداد در تضمین کیفیت کالا گاهی به دلایل قانونی و گاهی توسط تضمین گیرنده (مصرف کننده) به جهت اختیاری که قانون به او داده انجام می گیرد که در هر دو صورت رابطه حقوقی میان دو طرف از میان رفته و دو طرف دیگر هیچ تعهد و مسئولیتی نسبت به هم نخواهند داشت.

فسخ قرارداد در تضمین کیفیت کالا در هم مرحله فشار بر متعهد علیه (تضمین کننده) و هم مرحله جبران خسارت متعهد له (تضمین گیرنده) کارایی لازم را برای تضمین گیرنده به دنبال دارد.

حق فسخ قرارداد در تضمین کیفیت کالا به سبب عواملی مانند عدم انطباق اساسی در کالای جزئی، علم تضمین گیرنده به عدم اجرای اساسی قرارداد توسط تضمین کننده، تأخیر

جوهری، اسماعیل (۱۴۳۰ق). *الصالح*. قاهره: دارالحدیث. چاپ ۱.

حکیم، محسن (بی تا). *نهج الفقاهه*. قم: انتشارات ۲۲ بهمن. چاپ ۱.

حلی، حسن (۱۴۲۰ق). *تحریر الأحكام الشرعیه*. قم: مؤسسه امام صادق. چاپ ۱.

حلی، حسن (۱۴۲۱ق). *تلخیص المرام*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی. چاپ ۱.

حلی، محمد (۱۳۸۷ق). *ایضاح الفوائد*. قم: مؤسسه اسماعیلیان. چاپ ۱.

خمینی، روح الله (بی تا). *تحریر الوسیله*. قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم. چاپ ۱.

خویی، ابوالقاسم (۱۳۷۷ق). *مصباح الفقاهه*. تقریر محمدعلی توحیدی. قم: کتابفروشی داوری. چاپ ۱.

خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). *منهاج الصالحین*. قم: نشر مدینه العلم. چاپ ۲۸.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش). *لغت نامه*. تهران: دانشگاه تهران. چاپ ۲.

رازی، احمد (۱۳۸۷ش). *مقاییس اللغه*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ ۱.

رضایی، مجید (۱۳۹۴ش). *فقه معاملات جدید*. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی. چاپ ۱.

روحانی، محمد (۱۴۲۰ق). *المرتقی إلى الفقه الأرقی*. تقریر عبدالصاحب حکیم. تهران: مؤسسه جلیل. چاپ ۱.

سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). *مهدب الأحكام*. قم: دفتر آیت الله سبزواری. چاپ ۴.

سبزواری، محمدباقر (۱۴۲۳ق). *کفایه الأحكام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ ۱.

شعبانی، قاسم (۱۳۸۵ش). *تعیین خسارت در قراردادهای و تعهدات*. تهران: انتشارات اطلاعات. چاپ ۱.

شهیدی، مهدی (۱۳۸۲ش). *حقوق مدنی ۱: تشکیل قراردادهای و تعهدات*. تهران: انتشارات مجد. چاپ ۳.

شهیدی، مهدی (۱۳۸۵ش). *حقوق مدنی ۲: عقود معین (۱)*. تهران: انتشارات مجد. چاپ ۶.

شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۶ش). *حقوق قراردادهای (انقضاء، آثار و انحلال)*. تهران: سمت. چاپ ۲.

صفایی، حسین؛ سلطان احمدی، جلال (بهار ۱۳۸۹ش). «تجزیه پذیری قرارداد در حقوق ایران، انگلیس و کنوانسیون بیع بین المللی کالا (۱۹۸۰ وین)». *مجله حقوق*

۴. تحقیقات میدانی نشان می دهد که عرضه کنندگان و تضمین کنندگان کالاهای مصرفی در بسیاری از تضمین های اختیاری کیفیت کالاها و برخی از تضمین های اجباری کیفیت کالاها ضمانت نامه مکتوب معتبر رسمی به مصرف کنندگان اعطا نمی کنند که این آثار منفی فراوانی - از جمله افزایش اختلافات و کثرت پرونده های حقوقی و کیفری در دستگاه قضایی و ... - را به دنبال خواهد داشت. بر همین اساس شایسته است که تا حد امکان در تضمین های اختیاری و تضمین های اجباری کیفیت کالاهای مصرفی ضمانت نامه مکتوب معتبر رسمی به مصرف کننده تسلیم گردد تا هم موجب جلب اعتماد و جذب حداکثری مشتریان و مصرف کنندگان شود و هم آثار منفی فراوان حقوقی را در این زمینه به حداقل ممکن برساند.

۵. شایسته است در ضمانت نامه های مکتوب برای تضمین اجباری و اختیاری کیفیت کالاهای مصرفی جزئیات تعهدات در قالب یک دفترچه یا بروشور و ... به صورت مکتوب ثبت گردد تا مصرف کننده از جزئیات حقوق و مسئولیت های خودش نسبت به عرضه کننده و تضمین کننده و همچنین حقوق و مسئولیت های عرضه کننده و تضمین کننده نسبت به او اطلاع کافی پیدا نماید تا در زمان مقتضی اقدام لازم انجام گردد و میزان اختلافات و پرونده های حقوقی و کیفری در دستگاه قضایی به حداقل ممکن برسد.

منابع

آقایی، بهمن (۱۳۸۵ش). *فرهنگ حقوقی بهمن*. تهران: کتابخانه گنج دانش. چاپ ۳.

امامی، حسن (۱۳۸۸ش). *حقوق مدنی*. تهران: انتشارات اسلامی. چاپ ۲۱.

بجنوردی، محمدحسن (۱۴۱۹ق). *القواعد الفقهیه*. قم: نشر الهادی. چاپ ۱.

بهرامی، حمید (۱۳۹۰ش). *حقوق تعهدات و قراردادهای با مطالعه تطبیقی در فقه مذاهب اسلامی و نظام های حقوقی*. تهران: دانشگاه امام صادق. چاپ ۱.

ترحینی، محمدحسن (۱۴۲۷ق). *الزبدہ الفقہیہ فی شرح الروضه البہیہ*. قم: دارالفقه. چاپ ۴.

جعفری، محمدجعفر (۱۳۸۱ش). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: کتابخانه گنج دانش. چاپ ۱۲.

جعفری، محمدجعفر (۱۳۸۸ش). *دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت*. تهران: کتابخانه گنج دانش. چاپ ۱.

جعفری، محمدجعفر (۱۳۸۱ش). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. تهران: کتابخانه گنج دانش. چاپ ۲.

- دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۰، شماره ۱۰۱، صص ۱۴۹-۱۶۶.
- طاهری، حبیب‌الله (۱۴۱۸ق). حقوق مدنی. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ ۲.
- طباطبایی، محمد (بی‌تا). المناهل. قم: مؤسسه آل‌البیت. چاپ ۱.
- طوسی، محمد (۱۴۰۸ق). الوسيله. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی. چاپ ۱.
- عاملی، زین‌الدین (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام. قم: مؤسسه معارف اسلامی. چاپ ۱.
- عاملی، محمد (۱۴۱۲ق). الدروس الشرعیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ ۱.
- عراقی، ضیاء‌الدین (۱۴۱۴ق). شرح تبصره المتعلمین. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ ۱.
- فراهیدی، خلیل (۱۴۲۴ق). کتاب‌العین. بیروت: دارالکتب العلمیه. چاپ ۱.
- فیروزآبادی، محمد (۱۴۲۹ق). القاموس المحيط. قاهره: دارالحديث. چاپ ۱.
- قمی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). جامع الشتات. تهران: مؤسسه کیهان. چاپ ۱.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳ش). حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها. تهران: شرکت سهامی انتشار. چاپ ۴.
- کاشف‌الغطاء، احمد (۱۴۲۳ق). سفینه النجاه. نجف: مؤسسه کاشف‌الغطاء. چاپ ۱.
- کاشف‌الغطاء، علی (۱۴۲۲ق). شرح خيارات للمعه. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ ۱.
- محسنی، سعید (۱۳۹۰ش). اشتباه در شخص طرف قرارداد. تهران: دانشگاه امام صادق. چاپ ۱.
- مرعشی، شهاب‌الدین (۱۴۰۶ق). منهج المؤمنین. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی. چاپ ۱.
- معین، محمد (۱۳۸۶ش). فرهنگ فارسی. تهران: نشر ادنا. چاپ ۴.
- نائینی، محمدحسین (۱۴۱۳ق). المكاسب و البیع. تقریر محمدتقی آملی. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ ۱.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۷۳ق). منیه الطالب. تقریر موسی خوانساری. قم: کتابفروشی محمدی. چاپ ۱.
- نهرینی، فریدون (۱۳۸۵ش). ماهیت و آثار فسخ قرارداد در حقوق ایران. تهران: کتابخانه گنج دانش. چاپ ۲.
- هاشمی، محمود و همکاران (۱۳۸۲ش). فرهنگ فقه. قم: مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی. چاپ ۱.
- Martin, Elizabeth (2003). *Oxford Dictionary of Law*. Oxford: University press Oxford.

COPYRIGHTS



© 2022 by the Authors. Licenses PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)